

بحثی در پیرامون ماده ۹۲

اساسنامه سازمان ملل متحد (منشور ملل متحد)

پیدایش

و سوابق تاریخی دیوان بین‌المللی دادگستری

ترکیب

و صلاحیت دیوان مذکور

مقدمه :

ماده ۹۲ از فصل چهاردهم منشور ملل متحد میگوید :
«دیوان بین‌المللی دادگستری رکن قضائی مهم ملل متحد را تشکیل»
«میدهد جریان امور دیوان مزبور بر طبق اساسنامه ایست که بر مبنای ،
«اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تنظیم و باین منشور ضمیمه ،
«گشته و جزء لاینفک آن میباشد .»

ماده مذکور وجود یک سازمان قضائی بنام دیوان بین‌المللی دادگستری
را پیش‌بینی میکند که منشور ملل متحد آنرا رکن مهم قضائی دانسته تا کلیه
اختلافات و دعاوی حاصله بین الملل را بشرایطی که در اساسنامه دیوان مذکور
بتفصیل بیان گردیده است حل و فصل نماید .

دولتها همانطور که برای رفع اختلافات و منازعات بین مردم در داخل
کشور خود سازمانی بنام سازمان قضائی یا دستگاه عدالت ایجاد تا طبق مقررات
و قوانین موجود در کشور اختلافات را حل و حقوق افراد را محفوظ و مصون
از هر گونه تعرض و تجاوز بدارند از نظر جهانی نیز باید سازمانی باشد تا
بتواند حقوق دولتها را محفوظ و از تعدی و تجاوز دول نسبت به یک دیگر
جلوگیری بعمل آورد .

این سازمان قضائی جهانی همان دیوان بین‌المللی دادگستری است که
منشور ملل متحد در ماده ۹۲ آنرا پیش‌بینی کرده و اساسنامه‌ای از طرف
دیوان مذکور تنظیم که امور دیوان بر مبنای اساسنامه مذکور جریان و جزء

لایفنگ منشور میباشد .

گرچه دیوان بین‌المللی دادگستری بموجب اساس‌نامه ملل متحد بعنوان رکن مهم قضائی سازمان تأسیس و ایجاد گردیده ولی دیوان بموجب اساس‌نامه‌ای که ضمیمه منشور میباشد و دارای ۷۰ ماده است انجام وظیفه می‌نماید این موضوع بموجب ماده ۱ اساس‌نامه دیوان تأیید گردیده است :

ماده ۱- اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری میگوید :

«دیوان بین‌المللی دادگستری که بموجب منشور ملل متحد بعنوان رکن مهم قضائی سازمان تأسیس گردیده است بر طبق مقررات این اساس‌نامه تشکیل یافته و انجام وظیفه خواهد نمود» .

ولی قبل از ورود در موضوع و بحث بیشتر درماهیت دیوان بدو لازم است پیدایش دیوان بین‌المللی دادگستری را از نظر تحولات و تطوراتی که نتیجتاً منجر بایجاد چنین سازمان و تشکیلات قضائی جهانی گردیده مورد مذاقه قرار داده و اساس پیدایش و ایجاد چنین سازمانی را مورد توجه قرار دهیم . بنابراین قبل از هر چیز دیگر حکمیت را در دوران قدیم که بهترین طرق حل اختلافات و منازعات بین‌المللی بود مورد بحث قرار میدهیم .

مختصری از سوابق تاریخی دیوان بین‌المللی دادگستری

۱ - حکمیت در دوران قدیم

از ابتدای پیدایش و توسعه روابط بین‌المللی این اصل مورد قبول همگان بوده که بهترین طرق و عاقلانه‌ترین راه برای حل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی حکمیت اشخاص یا مرجعی که مورد قبول اصحاب دعوی قرار گیرد می‌باشد .

در زمانی که پاپ‌ها قدرت تشکیلات داشتند و در امور بین‌المللی دخالت میکردند چنین بنظر میرسد که اختلافات بین‌المللی بوسیله پاپ‌ها حل و فصل میشد .

در امپراطوری اسلامی نیز اختلافات بین کشورهای اسلامی را پیشوایان دین و زعمای امور مذهبی حل و فصل می‌کردند .

۲ - حکمیت در قرن ۱۱ الی ۱۵

در قرن یازده الی چهارده حکمیت پاپ‌ها جنبه «میانجیگری» داشته و

بمعنای قدرت پاپ‌ها یعنی قدرت مافوق قدرتها در امور کشورها دخالت می‌کردند این موضوع باندازه‌ای رواج و شدت داشت که حتی سلاطین قوی توانستند از دعوت پاپ‌ها خودداری کرده و در حل اختلافات آنان را شرکت ندهند. و چون پاپ‌ها حفظ صلح و برقراری آنرا از وظایف خود می‌دانستند غالباً برای حل اختلافات سلاطین از پاپ‌ها تقاضا و دعوت می‌کردند که در موضوعی حکمیت کنند چنانکه فیلیپ لوبل پادشاه انگلستان در سال ۱۲۹۸ حکمیت پاپ هفتم را قبول کرد و این امر باعث شد که پاپ بمنزله یک سازمان حکمیت اجباری و دائمی تلقی شود.

از تاریخ صلح وستفالی یعنی تشکیل جامعه دول و بخصوص طبق قرارداد های استابروک و مونستر نفوذ و قدرت پاپ‌ها افول کرده و قدرت های دیگری مافوق قدرت پاپ‌ها شناخته میشود.

۳- حکمیت در قرن هیجدهم

در قرن ۱۸ کم کم دادرسی بین‌المللی در جامعه دول توسعه پیدای کند و سه نوع دادرسی بین‌المللی در جامعه بین‌المللی معمول میگردد.

۱- حکمیت سلاطین: در این نوع حکمیت اصحاب دعوی توافق دارند که موضوع اختلاف خود را بحکمیت یک سلطان واگذار کنند.

۲- حکمیت کارشناسان و کمیسیون مختلط - کمیسیون یا کمیسیونهای مختلفی برای حل اختلافات بوجود می‌آید.

۳- حکمیت دادگاه یا دیوان حکمیت.

از این تاریخ بپس ترقی محسوسی در حکمیت پیدا میشود و کم کم فکر ایجاد دادگاه دائمی در افکار دانشمندان و حقوقدانان مشاهده میگردد.

دیوان حکمیت لاهه

در اواخر قرن هیجدهم ژرمی بنتام در طرح مربوط بصلح دائمی وجهانی خود ضمن بیان نظریات و عقاید خود پیشنهاد میکند که یک دادگاه بین‌المللی برای حل اختلافات بین‌المللی تشکیل شود و همچنین لادد Ladd و استوارت میل نیز تشکیل یک دادگاه بین‌المللی را که بایستی نظری تمام قضایا را حل و فصل نماید لازم و ضروری می‌دانستند.

این فکر در میان ملل متمدن نیز طرفدارانی پیدا کرد بطوریکه در

کنفرانسهای بین المللی سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه که به ابتکار نیکلای دوم تزار روسیه و دعوت ملکه هند بعمل آمده بود پس از شور و بحث های زیادی يك دستگاه منظم حکمیت بین المللی بنام «دیوان حکمیت داوری لاهه» بوجود آمد.

اما باید توجه داشت که پیشرفت کار این دستگاه کند و بطئی بوده و آنطور که شایسته يك دادگاه بین المللی است نتوانست وظایف خود را انجام دهد و بقول آسیر حقوقدان هلندی که خودش هم جزء حکمهای دیوان بود «دیوان حکمیت لاهه صورت ظاهری بیش نبود.» در واقع همینطور بود زیرا در تعلیمات دیوان کمتر از اصول حقوقی پیروی میشد و بر حسب موقع و موضوع مانند میانجی اختلافات راحل و فصل می نمودند لازم بود که در آن تجدید نظری بعمل آید.

دیوان دائمی بین المللی دادگستری

جنگ بین الملل اول تحولاتی در رسیدگی قضائی باختلافات بین المللی بوجود آورد زیرا بموجب میثاق جامعه ملل و بخصوص بموجب ماده ۱۴ میثاق شورای جامعه ملل مأموریت داشت که طرح تشکیل يك «دیوان دائمی بین المللی دادگستری» را تهیه و تصویب نماید.

بدین ترتیب دادگاهی بنام «دیوان دائمی بین المللی دادگستری» بوجود آمد که از سال ۱۹۲۱ پس از تصویب اساسنامه آن شروع بکار کرد. مقرر آن در شهر لاهه در عمارت معروف بکاخ صلح که در موقوفه «کازنکی» ساخته شده بود تعیین گردید.

این دیوان قریب مدت ۲۰ سال پیش یعنی تا شروع جنگ جهانی دوم مشغول کار بوده و اختلافات بین المللی را رسیدگی و حل و فصل میکرد ولی بعد از اشغال هلند از طرف آلمان بفعالیت خود خاتمه داد و بالاخره در سال ۱۹۴۶ پس از انجام يك دوره خدمات قضائی رسماً برچیده میشود.

دیوان بین المللی دادگستری

پس از جنگ بین الملل دوم هنگامی که اساسنامه سازمان جدید بین المللی طرح و تنظیم میشد در این فکر بودند که برای جلوگیری از اختلافات بین المللی سازمانی بوجود بیاید تا بتواند از بروز وقوع جنگ جلوگیری نماید. طرح و پیدایش چنین سازمانی در کنفرانس دامبارتن اگس مورد توجه

قرار گرفته و در پیشنهادات دامبارتن اکس که از طرف ۴ دولت بزرگ (امریکا و چین و انگلیس و شوروی) برای تشکیل سازمان ملل متحد پیشنهاد شده بود تشکیل یک دیوان بین‌المللی دادگستری نیز پیش بینی گردید.

طرح دامبارتن اکس در یک کمیته حقوقدانان در سال ۱۹۴۵ مورد مطالعه قرار گرفت. دولت امریکا بنام خود و بنام سایر دول معظم از حقوقدانان ۴۴ کشور راجع بموضوع فوق در واشنگتن دعوتی بعمل آورد.

کمیته حقوقدانان از ۹-۲۰ آوریل سال ۱۹۴۵ در واشنگتن تشکیل جلسه داد و پس از جلسات متعدد عقیده خود را مبنی بر اینکه با کنفرانس سانفرانسیسکو است که تصمیم بگیرد آیا بایستی یک رکن جدید بوجود آید یا همان دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری را که در سال ۱۹۲۰ تشکیل شده بود قبول کند ابراز داشت.

و اما راجع باصلاحات و تجدید نظر در اساس نامه چون در کنفرانس معلوم نشده بود که آیا اساس نامه سابق دیوان دائمی داوری لاهه را باید پایه و اساس قرارداد و یا اینکه باید در آن اصلاحات و تغییراتی بوجود آورد بهمین جهت در کنفرانس سانفرانسیسکو تصمیم به تشکیل دیوان جدیدی بنام «دیوان بین‌المللی دادگستری» بدون صفت «دائمی» گرفته و موافقت کردند که این دیوان جدید بوجود بیاید و بنا به پیشنهاد امریکا برای تنظیم اساس نامه دیوان جدید اساس نامه دیوان سابق پایه و مبنای قرار گرفته و برای رفع هر گونه نقائص ماده بماده مورد بحث و مذاقه قرار گرفت.

برای احترام و دوری از وجود دو دیوان بین‌المللی در یک زمان در ژانویه ۱۹۴۶ کلیه قضات دیوان دائمی داوری لاهه از شغل خود استعفا داده و خود دیوان نیز موجب تصویب نامه ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ مجمع عمومی جامعه ملل سابق برچیده شد و در فوریه ۱۹۴۶ قضات دیوان بین‌المللی دادگستری جدید بموجب اساسنامه آن بوسیله شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد انتخاب شدند ..

اولین جلسه دیوان بین‌المللی دادگستری در ۳ آوریل ۱۹۴۶ برای تصویب آئین کار خود در لاهه یعنی محل دیوان سابق تشکیل شد.

اساس نامه دیوان بین‌المللی دادگستری بر طبق ماده ۹۲ از فصل چهاردهم منشور جزء لانیفک منشور بوده و بان ضمیمه گشته است و شامل ۷۰ ماده میباشد. دیوان بین‌المللی دادگستری رکن قضائی مهم ملل متحد بوده و بر طبق ماده ۷ منشور یکی از ارکان ششگانه سازمان ملل متحد محسوب و وظایف و

تکالیف خود را طبق مقررات اساس نامه خود انجام میدهد.

کلیه اعضاء سازمان ملل متحد بخودی خود در يك وقت جزو قبول کنندگان اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری میباشند و دول غیر عضو در سازمان ملل متحد میتواند جزو قبول کنندگان اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری محسوب گردند. مشروط بر اینکه این عمل بنا بر توصیه شورای امنیت بوسیله مجمع عمومی انجام پذیرد (ماده ۹۳ منشور).

در حال حاضر ۸۲ دولت جزء قبول کنندگان اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری بوده علاوه بر دول فوق دولتهای دیگر از قبیل لیتنخن شتاین سن- ماریو۱ سویس نیز اساس نامه دیوان را پذیرفته اند.

کلیاتی راجع بدیوان



۱- در ترکیب دیوان بین المللی دادگستری

دیوان بین المللی دادگستری مرکب از پانزده عضو است که مجموعاً هیئت قضات مستقل آنرا تشکیل میدهند.

این هیئت مستقل قضات بدون توجه بملیت و خصوصیات ملی آنها از میان کسانی انتخاب میشوند که دارای ۲ عالی ترین مقام اخلاقی بوده و هر يك واجد کیفیات و شرائطی باشند که شایسته و لازمه شغل عالی قضائی در کشور خود میباشد و عبارت دیگر حقوقدانانی باشند که در حقوق بین المللی متبحر بوده و در این رشته از حقوق شهرت بسزائی داشته باشند.

(ماده ۲-۳ اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری)

داوطلبین اعضاء دیوان بین المللی دادگستری از میان صورت اسامی اشخاص بنام «دستجات ملی» مربوط بدیوان دائمی داوری انتخاب میشوند. البته دولتهائی که در دیوان دائمی داوری عضویت دارند).

۱- دولت سویس در سال ۱۹۴۸ با وجود اینکه عضو سازمان ملل متحد بوده بصورت دیوان مزبور درآمد و علت پذیرفته شدن سویس در دیوان این بود که دولت سویس کلیه وظایف و تکالیفی را که از عضویت در این دیوان برای اعضاء خود ملل متحد ایجاد میکرد پذیرفته بود و همین علت عضویت آن مانی نداشت.

۲- بنا بر توصیه شورای امنیت و بوسیله مجمع عمومی بر طبق ماده ۸ اساس نامه دیوان انجام می پذیرد.

در مورد اعضا ملل متحد که در دیوان دائمی داوری نماینده ندارند در اینصورت با تشکیل «دستجات ملی» مخصوص اعضا دیوان را از میان آنها انتخاب می نمایند (ماده ۴ اساس نامه دیوان).

کلیه اعضا دیوان مجموعاً باید بتوانند نماینده اقسام بزرگ ملت‌ها و مهمترین اسلوب قضائی جهان باشند. اعضا دیوان مرکب از قضات و حقوقدانان کشورهای اروپائی امریکائی و آسیائی و افریقائی می باشند که از بهترین حقوقدانان این کشورها انتخاب و عضویت پذیرفته میشوند.

قضات دیوان برای مدت ۹ سال انتخاب میشوند ولی در هر سه سال نكث $\frac{1}{3}$ آنها تجدید میشوند.

بنا بر تصمیم متخذه در سال ۱۹۴۶ تجدید انتخابات بقید قرعه انجام می پذیرد یعنی قضاتیکه در انتخابات اولیه انتخاب میشوند مأموریت پنج نفر دیگر پس از انقضاء مدت ۹ سال و مأموریت پنج نفر باقی پس از انقضاء مدت ۹ سال خاتمه می پذیرد.

رؤسای دیوان بترتیب عبارت بودند از:

از سال ۱۹۴۶ - ۱۹۴۹ کوئرو.

از سال ۱۹۴۹ - ۱۹۵۲ بادوان.

از سال ۱۹۵۲ - ۱۹۵۵ ماک نثر.

و از سال ۱۹۵۵ بیعد هکورت.

در سال ۱۹۵۷ رئیس دیوان از ایالت متحده امریکا بنام هکورت و نایب رئیس آن باداوی از کشور مصر بوده است.

سایر اعضا دیوان عبارتند از: کوئرو از کشور فرانسه و مینارسکی از کشور لهستان و کلشاد از کشور تروژ و ارماندی او گوست از کشور اوروگوئه و کوژونیکف از کشور اتحاد جماهیر شوروی و ظفرالله خان از کشور پاکستان و لاوترباخ از کشور بریتانیای کبیر و مارخیلو کوبین تانا از کشور آرژانتین و و کردوا از کشور مکزیک و سیندر از کشور استرالیا و سپیرو ویولوس از کشور یونان و ولینگتن کر از کشور چین.

قضاتی که در اثر انقضای مدت مأموریت آنها در سال ۱۹۵۲ از دیوان خارج شدند عبارت بودند از:

دیسر از کشور بلژیک.

کریلو (کریلف) از کشور اتحاد جماهیر جماهیر شوروی.

فابلا از کشور مکزیک .
 قضاتی که مدت ۶ سال عضویت دیوان بین‌المللی دادگستری را داشتند
 در سال ۱۹۵۵ عبارتند از :
 ماکنشر از کشور بریتانیا کیبیر .
 الوارس از کشور شیلی .
 لوی کارمزد بجای آسه و دو از کشور برزیل .
 قضاتی که در اثر بیماری نتوانستند مأموریت خود را بپایان رسانند و از
 دیوان خارج شدند عبارتند از :
 س.آ. گولوئسکی از کشور اتحاد جماهیر شوروی که بجای او . ف.ای
 کوژنیکف انتخاب گردید .

علاوه بر اعضاء پانزده نفری دیوان برای بررسی در بعضی مسائل و تحقیق
 در موضوعات مخصوص و علیحده قضات دیگری نیز میتوانند برای رسیدگی در
 آن امر شرکت نمایند و اینها را بنام قاضی اختصاصی مینامند یعنی قضاتی که
 بر طبق ماده (۳۱) اساس نامه دیوان بین‌المللی دادگستری بنا بر انتخاب دولتها
 انتخاب میشوند قضاتی که بدین ترتیب انتخاب میشوند در دعای که شرکت
 نمایند تساوی کامل در حق رأی با همقطاران خود نخواهند داشت .

۴ - در تشریفات دیوان

دیوان اقامتگاه مخصوص بخود داشته و مقر آن در لاهه خواهد بود ولی
 ایی امر باعث نخواهد شد که دیوان بتواند در محل دیگری تشکیل جلسه دهد
 در اینصورت دیوان هر جا را که مناسب دید تشکیل جلسه داده و وظایف محوله
 را انجام میدهد .

طبق شق اول از ماده ۲۳ اساس نامه دیوان در دیوان همیشه در حال
 اشتغال خواهد بود ، بعبارت دیگر جلسات دیوان دائمی و همیشگی است مگر
 هنگام تعطیلات دیوان که وقت و مدت آن را خود دیوان تعیین خواهد کرد .
 برای اینکه جلسات دیوان تشکیل گردد حضور ۹ نفر از پانزده نفر
 قاضی کافی خواهد بود . دیوان آئین نامه را خود تدوین و تنظیم کرده و بموجب
 این آئین نامه طرز انجام وظایف و بخصوص قواعد و مقررات دادرسی خود را وضع
 و مقرر میدارد .

آئین نامه دیوان بدو زبان فرانسه یا انگلیسی تدوین میگردد

(۱) شق ۲ - ۳ از ماده ۳۱ اساس نامه دیوان مطالعه شود .

طبق ماده ۳۹ اساس نامه اگر تمام جریان کار بزبان فرانسه باشد حکم نیز بزبان فرانسه صادر و امضاء خواهد شد و اگر بزبان انگلیسی باشد حکم نیز بزبان انگلیسی خواهد بود .
 گرچه اصحاب دعوی میتوانند از زبانهای دیگر استفاده نمایند ولی بطور کلی نطق و بیان و اسناد و مدارک واحکام بدو زبان فرانسه وانگلیسی ترجمه و تدوین خواهد شد .

آئین دادرسی و رسیدگی در هر امری در دو مرحله کتبی و شفاهی صورت میگیرد؛ میپذیرد (ماده ۴۳) آئین کتبی عبارتست از ابلاغ لوائح ، مقابله و عندالاقضاء پاسخ آنها بقاضی و بطرف وهمچنین ابلاغ اوراق و مدارک مربوط بدعوی .

همینقدر که تهیه و تدارکات کتبی درخصوص رسیدگی و ملاحظه بامری باتمام رسید مرحله شفاهی شروع میشود .

آئین شفاهی عبارت از استماع اظهارات شهادت شهود و کارشناس و مشاورین حقوق و وکلای دعاوی آنها .

در اینوقت طرفین درحضور قضات بیاناتی میکنند و استدلال می نمایند و برای احقاق حق خود به دلایل اثبات دعوی متوسل میشوند .

مرحله شفاهی چند روز گاهی (ندرتاً) ممکن است يك هفته بطول انجامد . اصحاب دعوی بوسیله نمایندگان خود وارد در مرحله دعاوی شده و میتوانند از کمکهای وکیل مدافع و یا مشاورین حقوقی و یا نمایندگان خود استفاده نمایند .

پس از پایان مدافعات ، هیئت قضات برای اخذ رأی به شور و مشورت می پردازند . مشاوره دیوان سری است یعنی باید سری بعمل آمده و سری بماند مشاوره سری نیز ممکن است چند روز و حتی چند هفته طول بکشد .

جلسه رسیدگی علنی است مگر اینکه خود دیوان تصمیمات دیگری اتخاذ نماید و یا اینکه طرفین دعوی درخواست نمایند که جلسه بدون حضور تماشاچی منعقد گردد (ماده ۴۶ اساس نامه) .

در جلسات علنی فقط فقط تصمیمات دیوان اعلان میگردد .

احکام دیوان با اکثریت قضات حاضر صادر میشود و در صورت تساوی آراء رأی رئیس (یا کیسکه جانشین او میباشد) قاطع دعوی خواهد بود (ماده ۵۵ اساس نامه) ..

طبق ماده ۵۷ اساس نامه دیوان :

هر قاضی حق خواهد داشت نظریات و عقاید خود را ضمیمه حکم کند در صورتیکه حکم کلاً باجزاً نظریات قاضی یا قضات را تأمین نکرده و بعبارت الاخری باتفاق آراء صادر نشده باشد طبق آئین نامه دیوان قضات در این مورد میتوانند یا :

الف : فقط با تصمیم دادگاه مخالفت نمایند .

ب : و یا با جهات و دلائل آن :

در اینصورت نظریه اول را شخصی و انفرادی و مرحله دوم را اختصاصی

میگویند .

نظریات انفرادی و اختصاصی باید پس از قرائت مجدد لایحه قرار یا تصمیم دادگاه بدیوان تسلیم گردد تا بتوان متون آنرا با لایحه تصمیمات دادگاه یکجا برای چاپ ارسال داشت .

طبق ماده ۹۴ منشور :

هر يك از اعضاء ملل متحد متعهد میشوند در هر اختلافی که طرف باشند باید طبق تصمیم دیوان بین المللی دادگستری عمل نمایند ..

شق دوم از ماده ۹۴ منشور ناظر است باینکه هر گاه یکی از طرفین یا از اصحاب دعوی تعهدات و الزامات یا الزاماتی را که بموجب حکم دیوان مزبور برای او ایجاد میشود عملاً انجام نداده و اجرا ننماید طرف دیگر میتواند بشورای امنیت رجوع کند و شورای مزبور در صورتیکه مقتضی بداند میتواند سفارشات و توصیه‌هایی بکند یا اینکه تصمیمات لازم برای اجراء و انجام آن حکم اتخاذ نماید .

۳- در صلاحیت دیوان

صلاحیت دیوان فقط و فقط شامل اختلافات بین دولت‌ها است و دیوان نمیتواند اختلافات بین اشخاص دول (مربوط بدعوی خصوصی) و بخصوص اختلافات بین اشخاص خصوصی را مورد رسیدگی قرار دهد .

اما اختلافات بین دولت‌ها نیز فقط در صورت تراضی طرفین دولتین اختلاف میتوانند مورد رسیدگی دیوان قرار گیرد .

در سازمانهای قضائی داخلی قوه قضائی قوه ایست مستقل و احکام صادره از این قوه مستقل لازم الاجراء است ولی در سیستمهای قضائی بین المللی این

صلاحیت اجباری که در حقوق داخلی است وجود ندارد و بهمین جهت دیوان نیز دارای صلاحیت اختیاری است .

اصولاً دیوان وقتی میتواند بامری رسیدگی کند که خود دولت‌ها یعنی اصحاب دعوی قبلاً باهم توافق کرده و پس از آن دعوی را بدیوان ارجاع نمایند و اگر جز این باشد یعنی دیوان خواسته باشد بخودی خود در امری دخالت نماید این موضوع بحق حاکمیت دولت‌ها لطمه وارد میسازد و این یکی از اصول اساسی است که رعایت آن برای دیوان الزامی و اجباری است .

بند يك از ماده ۳۴ و بند يك از ماده ۳۶ اساس نامه مؤید این موضوع است . در بند ۴ از ماده ۳۶ صلاحیت اجباری دیوان را معین کرده و تأیید نموده است که کلیه اختلافاتی که جنبه قضائی داشته باشد در صلاحیت اجباری دیوان است ،

بدیهی است که صلاحیت اجباری دیوان در صورتی است که دولت‌ها طبق قرارداد ملزم شوند که اختلافاتشان را بدون حرف بدیوان ارجاع نمایند . چهارمورد زیر در زمره اختلافات قضائی محسوب و دیوان در این موارد صلاحیت اجباری دارد .

صلاحیت اجباری دیوان بشرح زیر است :

- ۱ - در تفسیر قراردادها .
- ۲ - هر موضوع مربوط بحقوق بین‌المللی
- ۳ - در واقعیت هرامری که در صورت ثبوت نقض يك تعهد بین‌المللی محسوب شود .

۴ - اختلاف مربوط باشد به نوع و میزان خسارتی که در اثر نقض يك تعهد بین‌المللی اتخاذ شده است .

تصمیم مبنی بر اینکه بدیوان فقط و فقط صلاحیت اختیاری داده شود پس از يك سلسله مبارزات هیجان آمیز با یکعده طرفداران اجباری بودن صلاحیت دیوان در کنفرانس سانفرانسیسکو در کمیته اول کمیسیون چهارم با کثرت آراء (موافق ۳۱ مخالف ۱۴) مورد قبول واقع شد .

دولت‌های امضاء کننده اساس نامه ، اجباری بودن صلاحیت دیوان را در يك حد معینی از امور برای خود شناخته اند .

دولت‌های زیر در اول اکتبر ۱۹۵۶ صلاحیت اجباری دیوان را پذیرفته اند .
استرالیا - کانادا - کلمبیا - دانمارک - جمهوری دمنیکن - السالوادور - فرانسه

هائیتی - هندوراس - هند - اسرائیل - یسری - لوگزامبورگ - مکزیك - هند
 زلاند جدید - نیکاراگوئه - نروژ - پاکستان - پاناما - پاراگوئه - پرتغال - هلند
 فیلیپین - سوئد - سویس - سیام - ترکیه - اتحادیه افریقای جنوبی - بریتانیا - ایالت متحده آمریکا .

علاوه بر وظایف قضائی دیوان حق دارد جنبه مشورتی نیز داشته باشد و
 مورد شور و مشاوره دولت‌ها نیز قرار گیرد البته این امر جنبه الزامی و تمهیدی
 برای دیوان نداشته و موضوع در صورتی است که بنا بر درخواست مجمع عمومی
 و یا بتقاضای سایر ارکانهای سازمان ملل متحد باشد .

دیوان میتواند در مورد هر مسئله قضائی بنا بتقاضای هر مؤسسه‌ای که
 منشور ملل با اجازه چنین تقاضائی را میدهد و یا طبق مقررات این منشور
 میتواند این اقدام را بعمل آورد رای مشورتی بدهد .

مسائلی که در مورد آن رای مشورتی دیوان خواسته میشود منشور باید
 ضمن درخواست کتبی آنموضوع با عبارت صریح و روشن شرح داده شود .

در سال ۱۹۵۵ برای اولین بار موسسه تخصصی یونسکو (مؤسسه فرهنگی
 و تربیتی ملل متحد) برای مشاوره بدیوان مراجعه کرد و سپس سازمانهای
 زیر نیز از دیوان تقاضای رای مشورتی کردند .
 سازمان بین‌المللی کار ..

سازمان هواپیمائی کشوری بین‌المللی ...
 سازمان خواربار و کشاورزی ..

سازمان جهانی بهداشت ...
 اتحاد بین‌المللی مخبرات ..

سازمان جهانی هواشناسی یا (سازمان هواشناسی بین‌المللی)
 بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه .

صندوق بین‌المللی پول (صندوق بین‌المللی ذخایر ارزی) .

ازدوایر مخصوص سازمان ملل متحد باستثنای مجمع عمومی ارکانهای زیر
 نیز حق تقاضای رای مشورتی از دیوان را دارند .

شورای امنیت .

شورای اقتصادی و اجتماعی .

شورای قیمومیت .

دیوان رأی مشورتی خود را در جلسه علنی اعلام میدارد مراتب قبلاً
بر رئیس کل دبیرخانه و نمایندگان اعضاء ملل متحد و دولت های دیگر و نمایندگان
تأسیسات بین المللی که مستقیماً ذینفع میباشند اطلاع داده میشود .
در مورد استثنائی رأی مشورتی دیوان ممکن است جنبه اجباری داشته
باشد . در اینصورت جای هیچگونه بحثی در خصوص اجباری بودن رأی
مشورتی دیوان نیست .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

(۱) مثلاً درخصوص بروز اختلاف سازمان بین المللی کار با دادگاه اداری خود در اینصورت
میتوان رأی مشورتی دیوان را تقاضا نمود و اگر چنانچه این اختلاف مربوط بامتياز و مصونیت
سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی و غیره باشد رأی مشورتی دیوان اجباری است .